

دایره‌المعارف تشیع تعطیل شد

● «دایره‌المعارف تشیع» طی سه‌دهه فعالیت، ۱۴جلد منتشر کرد اما اکنون به دلایلی تعطیل شده است. به گزارش فارس، «دایره‌المعارف تشیع» دانشنامه‌ای فارسی پیرامون موضوعات مختلف جهان تشیع است، که تدوین آن از سال۱۳۶۰ با حمایت مالی بنیاد طاهر (موقوفات سیدابوالفضل تولیت) آغاز شد و سپس با حمایت مالی فهیمه محبی‌انجدانی ادامه یافت. از چندی پیش ادامه روند تدوین و انتشار مجلدات دایره‌المعارف تشیع متوقف شده که علت آن نبود حامی مالی از یک سو و وجود اختلاف‌نظر میان اعضا از سوی دیگر اعلام شده است. تاکنون ۱۴جلد از این دانشنامه منتشر شده و جلد چهاردهم آن‌که آخرین جلد این مجموعه است، تابستان۱۳۹۰ توسط انتشارات حکمت منتشر شد. این دانشنامه در دوره سیزدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شده است. «دایره‌المعارف تشیع» تنها دانشنامه فارسی بود که به موضوعات مختلف دینی، کلامی، اعتقادی، فقهی، اصولی، تاریخی، جغرافیایی، علمی و فرهنگی جهان تشیع می‌پرداخت. ناگفته نماند این دایره‌المعارف با نقدهایی نیز روبه‌رو بود و برخی از جمله حجت‌الاسلام رسول جعفریان تعدادی از مدخل‌ها و مقاله‌های آن را داستان‌گونه و بی‌اساس معرفی کرد که البته دبیرخانه دایره‌المعارف تشیع نیز تلویحا این اشتباهات را پذیرفت و وعده داد در چاپ‌های جدید اصلاح خواهد شد.

زیر آسمان فیر وزای

عضو فراکسیون فرهنگی مجلس:

بابرهمزندگان کنسرت‌ها بر خورود شود

● عضو فراکسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی با انتقاد از رفتارهای برخی گروه‌ها با کنسرت‌های موسیقی تاکید کرد که این هنر نیاز جامعه جوان کشور است و باید با برهمزندگان کنسرت‌های دارای مجوز برخورد قاطع شود. سیدرمضان کیاسری در گفت‌وگو با خانه ملت گفت: زمانی که کنسرتی مجوز دارد نباید اخلاصی در برگزاری آن ایجاد شود. این نوع رفتارها باعث بی نظمی در جامعه می‌شود. نماینده مردم ساری در مجلس شورای اسلامی ادامه داد: برهم‌خوردن کنسرت‌ها از سوی برخی گروه‌ها، آن‌هم به‌صورت خودسر نشان می‌دهد که باید دستگاه‌های نظارتی و انتظامی جدی‌تر وارد شوند. وی اعتقاد دارد در صورتی می‌توان با کنسرتی برخورد کرد که مجوزهای لازم را نداشته باشد و فضای کنسرت هنجارشکن و خطوط قرمز رعایت نشده باشد. کیاسری با بیان اینکه اصل بر داشتن مجوز است، اظهار کرد: وقتی گروهی مجوز دارد، باید برنامه آنها اجرا شود. امروز موسیقی نیاز جامعه جوان کشور است. موسیقی بخشی از فرهنگ هر جامعه‌ای است، نمی‌توانیم آن را جدا از آداب و رسوم، غذا و معماری بدانیم. این نماینده اصولگرای مجلس تاکید کرد که اگر از فرهنگ

اصیل خود در هر موضوعی مخصوصا موسیقی فاصله بگیریم، گرفتار موسیقی و فرهنگ غربی می‌شویم که سختیتی با ما ندارند. عضو کمیسیون فرهنگی مجلس با بیان اینکه کسی نباید مانع برگزاری کنسرت‌های دارای مجوز شود، گفت: اول باید اجازه دهند کنسرت برگزار شود، اگر اهنجاری رخ داد، از مجاری قانونی برخوردهای لازم صورت گیرد. در غیر این صورت باید با برهمزندگان کنسرت‌های موسیقی برخورد قاطع و جدی شود.

قطب‌الدین صادقی «عزیزشنگال» را در تئاترشهر روی صحنه برده؛ نمایشی که هم پرفورمنس و هم مستند است. در آن حرکات بی‌کلام با نشانه‌هایی بارز، قصد دارد جنایات گروه تروریستی داعش را که ویرانگرانه جولان می‌دهد، برملا کند. نمایش، همچون زنان مقاوم کرد در کوبانی در برابر هیولاهای قدعلم کرده، راوی یک کودک است. صادقی پیش از این نیز دوران بی‌گناهی و صبراوشتیلا را درباره مظلومان خاورمیانه تولید کرده است. با او درباره این نمایش و چندوقتش گفت‌وگو کرده‌ایم:

✎ این عزیزشنگال برگرفته از اسم مکان است؟

شنگال نام مکانی در کردستان عراق است اما عزیز نام کودکی شش یا هفت‌ساله است که در زمان هجوم داعش به منطقه شنگال از آنجا تا نزدیکی‌های کوبانی -در سوریه- را پیاده از دل کوه‌ها می‌رود. این طفلک با شکم گرسنه و تشنه این مسیر را می‌آید و به‌دلیل تابش مستقیم خورشید قرینه هر دوجمش می‌خشکد و کور می‌شود. نمایش به‌دلیل این سکوت دردناک و جانگه عزیز به شیوه بی‌کلام اجرا می‌شود. در این مسیر همه جنایات داعش و آنچه عزیز دیده است، به نمایش درمی‌آید.

✎ چه اراده‌ای شما را واداشت که از این قهرمان واقعی برای نوشتن نمایش ایده بگیرید؟ واقعیت تلخ و ترازیکی در زندگی این بچه وجود دارد که دل هر انسانی را به درد می‌آورد. سرنوشت دردناکی دارد که شبانه‌روزها در کوه‌ها آواره است و گریه می‌کند و در این مسیر تجاوزات داعش به زنان و دختران و هر اتفاق هولناک دیگری را می‌بیند. من فقط خواسته‌ام جوابی به این همه ویرانگری داعش دهم که در این جنایات، اولین قربانیان زنان و کودکان هستند. در این جنگ، مردان هم قربانی می‌شوند. اما به آنها با نام شهید توجه می‌کنند و حتی امکان دارد که از آنها قهرمان و اسطوره بسازند، اما در همه جنگ‌ها، زن‌ها و کودکان نخستین قربانیانی هستند که کمتر موردتوجه واقع می‌شوند. از سوی دیگر، مردان آدمایی لازم و توان جسمی برای جنگیدن را دارند. اما زنان و کودکان اصلا برای چنین خشونت و جنایتی به دنیا نیامده‌اند.

✎ چه تعهد و وظیفه‌ای شما را واداشته در برابر این همه داعش بنویسید و این نمایش را کار کنید؟ وظیفه بزرگی است که هنرمند به دوران خودش بپردازد. برخی به اشتباه مدام در حال تکرار متون آمریکایی و روسی هستند؛ بی‌آنکه این متون به اقتضای زمانه اکنون انتخاب شده باشد یا اینکه بخواهد منطق با فرهنگ و مصادب اجتماعی باشد. برای همین خودمان مقصر هستیم که کمتر در نمایش‌هایمان به مسایل خودمان می‌پردازیم و باید بحران‌های زمانه ما را آثارمان مشهود و هویدا باشد. ما باید به دغدغه‌های جامعه خودمان بپردازیم و آنها را حل‌وفصل کنیم. وظیفه ماست که به سهم خویش و با زبان شخصی نسبت به مسایل واکنش نشان دهیم. سکوت نشانه رضای ماست و انکارنه‌انکار که اتفاقی در دنیا و حتی دو گوش‌مان در حال وقوع است. همه تعهد و التزام هنری ماست که به داعش که بانی خشونت و ویرانگری بخشی از زندگی در خاورمیانه است، بپردازیم. این در حالی است که داعش تا ۴۰۰کلمتری مرزهای ایران پیش آمده است و هیچ‌گاه نمی‌توانیم نسبت به آن بی‌تفاوت باشیم.

✎ یعنی همه مسوولند؟

بله، هر هنرمندی به شیوه خودش می‌تواند علیه داعش اعلام موضع کند. یک آهنگساز، یک نظامی، یک عکاس، یک خبرنگار و یک تئاتری می‌توانند هنر و وظیفه خودشان را در قبال این هجوم و ویرانگری نمایان کنند. ما نمی‌توانیم در برابر این تجاوزگری به زبان بی‌تفاوت باشیم، در حالی که این شیرزنان مقابل داعش ایستاده‌اند و اسلحه دست گرفته‌اند. داعش با خوراندن روان‌گردان هزاریسر را برای ترور و عملیات انتحاری آماده کرده. آنها دزدند و نفت منطقه را می‌دزدند و ثروت و مال و اموال مردم را می‌دزدند و همه اینها مانع از بی‌توجهی



گفت‌وگو با قطب‌الدین صادقی نویسنده و کارگردان نمایش عزیزشنگال

بازآفرینی یک وضعیت ضدبشری

رضا آشفته

ما می‌شود.

✎ چقدر این فعالیت‌ها می‌تواند تاثیرگذار باشد؟

تاثیرگذار است و اکنون وظیفه ما تولید اثری نمایشی است که بتواند تاثیر بگذارد وگر نه در کار نکردن که نباید دنبال تاثیر هم بود. ما باید برای نجات مردم منطقه قتل‌ا کنیم. ما باید در کنار مظلومان باشیم و با حمایت روحی و روانی در آنجا حضور داشته باشیم که آنها احساس تنهایی نکنند. ما باید در فرهنگ و هنرمان اعلام کنیم با مظلومان همسنگی داریم و آنها را در هیچ شرایطی تنها نمی‌گذاریم. ما نسبت به اشک‌ها و ناله‌ها و دردهای این مردم تحت ستم، متعهد هستیم.

✎ برای اجرای عزیزشنگال چقدر به واقعیت‌ها و چقدر به تخیل‌تان اتکا کرده‌اید؟

من برای هر لحظه این نمایش سند دارم؛ یعنی اینکه داعشی‌ها زنان را فروخته‌اند و درباره‌اش گزارش‌ها مصاحبه‌ها و عکس‌های بسیاری در دسترس است.

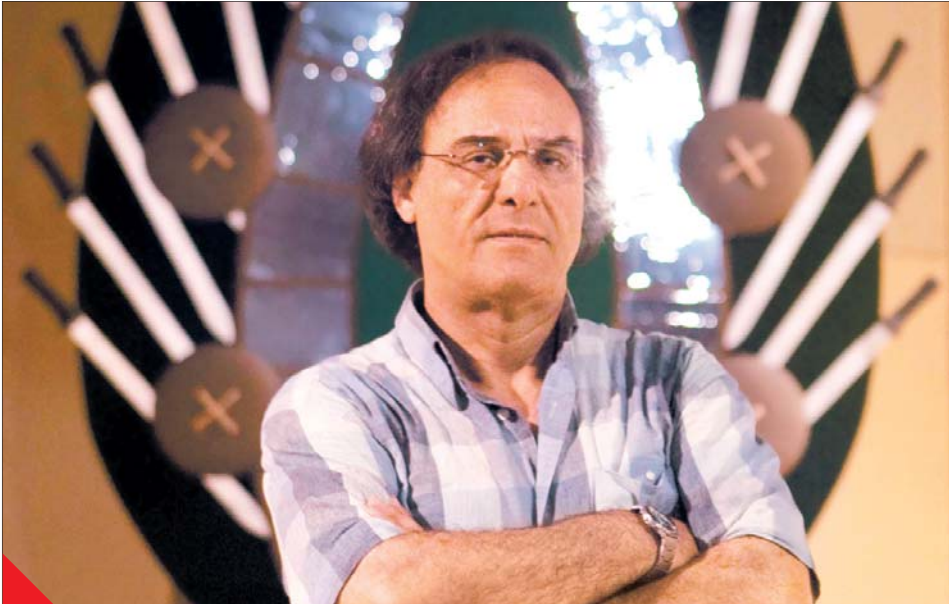
آنها به صغیر و کبیر رحم نکرده‌اند. این عکس‌ها مدام در میزانشن‌هایمان تاثیر گذاشته‌اند. ما به‌دنبال بازآفرینی یک وضعیت ضد بشری بوده‌ایم، چراکه عده‌ای بی‌گناه اسیر ایدئولوژی‌های عشیره‌ای شده‌اند و آنها روندی ضدانسانی را در پیش گرفته‌اند. ما باید در دفاع از زنان و کودکان بی‌گناه بها خیزیم و نباید جنگ و تجاوز داعشیان را بپذیریم. در لابه‌لای این واقعیات تخیل نیز حضور دارد، اما سرپیدن سه خبرنگار -که خواسته‌اند منعکس‌کننده خودمان می‌پردازیم و باید بحران‌های زمانه ما را آثارمان مشهود و هویدا باشد. ما باید به دغدغه‌های جامعه خودمان بپردازیم و آنها را حل‌وفصل کنیم. وظیفه ماست که به سهم خویش و با زبان شخصی نسبت به مسایل واکنش نشان دهیم. سکوت نشانه رضای ماست و انکارنه‌انکار که اتفاقی در دنیا و حتی دو گوش‌مان در حال وقوع است. همه تعهد و التزام هنری ماست که به داعش که بانی خشونت و ویرانگری بخشی از زندگی در خاورمیانه است، بپردازیم. این در حالی است که داعش تا ۴۰۰کلمتری مرزهای ایران پیش آمده است و هیچ‌گاه نمی‌توانیم نسبت به آن بی‌تفاوت باشیم.

✎ بنابراین ما شاهد یک پرفورمنس مستند خواهیم بود؟

یک پرفورمنس براساس وقایع بزرگ و هولناک معاصر و با زبان و خلاقیت نمایشی و زبان تاثیرگذار هنری است که در آن می‌خواهیم تعادل ایجاد کنیم. هولناک‌بودن داعش را با طبل می‌رسانیم و هنوز صدای انسانی را با صدای مادر زمین بیان می‌کنیم تا حقانیت و مظلومیت زنان و کودکان نمایان شود.

✎ آیا این نمایش در میان کردهای عراق و سوریه صدایش پیچیده است؟

بله بارها با بنده گزارش‌ها و مصاحبه‌هایی کرده و از



گفت‌وگو با قطب‌الدین صادقی نویسنده و کارگردان نمایش عزیزشنگال

بازآفرینی یک وضعیت ضدبشری

رضا آشفته

تاویزپیون‌های کردزبان پخش کرده‌اند. در روزنامه‌های

آنجا نیز مصاحبه‌ها و گزارش‌هایی را ترجمه و منتشر کرده‌اند. حتی از تمرین‌های پشت صحنه نمایش «عزیزشنگال» هم فیلم مستندی ساخته‌اند که از مرحله ایده تا اجراست و بازتاب این نمایش حتی در آمریکا و اروپا هم منعکس شده است.

✎ آیا جز مظلومیت عزیز که به سکوت می‌رسد دلیل دیگری هم برای بی‌کلام‌شدن این نمایش بوده است؟ ابعاد این فاجعه آنقدر هولناک است که با روانشناسی واژگان نیز نمی‌توان خطوط این فاجعه را درشت کرد.

ما به باری حرکت، موسیقی و تصویرسازی به نمایشی نیرومند رسیده‌ایم. ما این نمایش را برای یک نمایش میدانی آماده کرده بودیم. می‌خواستیم بدون فیلتر، کلمات این نمایش بر مردم تاثیر بگذارد. اما از آنجا که زمستان و سرما و باران بود، نمی‌شد این همه بازیگر را در شرایط سخت هر شب به کار گرفت. البته این نمایش به‌گونه‌ای، واکنشی علیه مدیریت سابق مرکز هنرهای نمایشی بود که به هر راهی می‌خواست مرا از فعالیت باز دارد. برای همین خواستم نشان دهم که همچنان می‌شود کار کرد. مدیر سابق می‌خواست بودجه و سالن را از من دریغ کند و این نمایش درواقع علیه سیاست‌های ضدفرهنگی اوست برای همین برای یک نمایش میدانی طراحی شده بود. زمانی که او رفت، اردشیر صالح‌پور، دبیر جشنواره فجر از ما خواست در جشنواره هم آن را اجرا کنیم و ما هم پذیرفتیم با این شرط که بلافاصله نمایش در تالار اصلی تئاتر-شهر اجرا شود. بنابراین با تغییراتی آن را برای تالار اصلی آماده کردیم.

✎ تالار اصلی برای این اجرا مناسب است؟

مناسب است اما به‌دلیل کمبود بودجه نمی‌شود نیازهای این تالار را به‌موقع رفع و رجوع کرد. ما نیاز داشتیم که بالابری داشته باشیم برای مادر زمین که متأسفانه در نبود بودجه چنین تصویر تاثیرگذاری شدنی نبود. اما تا جایی که جواب می‌داد سعی کردیم تصویرسازی کنیم چون با کلمه نمی‌شد خطوط فاجعه را نمایان کرد.

✎ حرکات سه گونه است و تفکیک‌شده، درباره این نگاه به حرکات و منشا آنها توضیح دهید؟

حرکت اول درباره خشونت فیزیکی و خشونت بدوی داعش است که پارکوارکارا آن را با حرکات رزمی بدون تعقل و عواطف انسانی و حس ویرانگری نشان می‌دهند. حرکت دوم حرکات مردمی است که با تکیه بر واقع‌گرایی و به‌آمده از حرکات نمایشی و ترکیبی دارای مفهوم دراماتیک نشان داده می‌شود. در پایان هم حرکت سوم، که بسیار موزون و درباره زنان مقاوم کوبانی است که با داعش مقابله می‌کنند و پیوزه آنان را به خاک می‌مالند. اینها براساس حرکات رزمی رقص کردی حضورشان

نشان داده می‌شود و جمعی رقصنده برای این منظور دعوت به کار شده‌اند. حضور این دختران شیردل را در دل یک‌رقص حماسی کردی رنده کرده‌ایم. این رقص‌ها هزاران سال عمر دارند و دایما شکست دشمنان و غلبه بر خون، خشونت و خوف را نمایان کرده‌اند. بنابراین با سه تربیت متفاوت حرکات درهم تلفیق شده‌اند و با نمایش، حرکات را از گذشته دور تا امروز در کنار هم قرار داده‌ایم.

موسیقی هم براساس سازهای کوبه‌ای پیش می‌رود؟

موسیقی اصلی با کوبش طبل‌ها تداعی می‌شود چون هولناک‌بودن داعش با این‌ساز بهتر از هر‌ساز دیگری نشان داده می‌شود. همچنین طبل بیانگر خشونت است و می‌تواند حرکات رزمی را رهبری کند. برای آنکه بشود مقابل این خشونت تعادلی برقرار کرد به این نتیجه رسیدیم که بهتر است از صدای انسانی در مقابل سازهای کوبه‌ای استفاده کنیم. صدای انسانی عواطف، ارتعاشات و احساسات عمیق را نشان می‌دهد. صدای فرشته‌ت زمین را برای همین انتخاب کردیم که مدام آوازهای قدیمی را می‌خواند. این چیزی است که می‌تواند بیشترین تاثیر را بگذارد. آوازهای مقامی و مور (موبه‌های کردی) و اسطوره‌ای و باستانی که هزار ساله‌اند و با تاریخی بسیار تاثیرگذار در خدمت اجرا قرار گرفته‌اند.

✎ نمی‌شد این ترانه‌ها را ترجمه کرد تا مردم بهتر در جریان محتوای آنها قرار می‌گرفتند؟ نه، ترانه‌ها ترجمه‌پذیر نبودند. شاید به‌قدری باستانی‌اند که در پیوند با موسیقی توانسته‌اند بیرونی و قابل‌فهم شوند. این آواهای مقامی سینه‌به‌سینه‌ا گذشته به امروز رسیده‌اند و جزو میراث فرهنگی ما هستند. شاید کسی بخواهد اینها را ترجمه کند و بتوانیم بعدها جایش کنیم اما برای اجرا آوا‌ها اکتفا می‌کرد.

✎ اینها مفاهیم متعدد و متنوعی داشتند؟

چندقطعه درباره کودکان بی‌پشت و پناه است. چندقطعه درباره کشتار این سرزمین ویران است و چندقطعه قصه‌های شاعرانه‌ای است که عشق انسان در آنها لبریز است. چندلالایی هم هست. همچنین درباره ستایش آدم‌هایی که جانشان را در راه دفع خشونت می‌گذارند. همراهش مفاهیم انسانی کلی است و واقعا ملودی تاثیرگذاری است. بنابراین کلمات نقشی ندارند و موسیقی نیرومندی در کل اجرا حضور دارد.

✎ بازتاب نمایش تاکنون چگونه بوده است؟

دوست و دشمن، عامی و عالی، هنرمند و غیرهنرمند تحت‌تاثیر قرار گرفته‌اند. یک دوستی که دکترای راضیات دارد در طول نمایش گریه کرده بود. این تصاویر و ترکیب‌های آوازی، قوی و تاثیرگذارند و غلظت عاطفی‌اش بالاست و همه را تحت‌تاثیر می‌گذارد.

✎ آیا از کار هم حمایت شده است؟ فقطوقفت دبیر جشنواره فجر و مهندس افضلی مدیر توسعه هنرهای معاصر به ما کمک کرده‌اند و دیگر هیچ‌کس ریلی در اختیارمان نگذاشته است. هیچ‌کس قدمی جلو نگذاشته، حتی شرکت بیمه‌ای می‌خواست از ما حمایت کند اما شرطش این بود که اسم داعش را از کار حذف کنیم. آنها در قلب تهران از داعش می‌هراسیدند. این در حالی است که پنج‌نهاد با دبدن کار به‌به و چه‌چه کرده‌اند و حرف‌های خوشگل زده‌اند اما قدمی برنداشته‌اند. طبق برآوردها از جیمم خرج کرده‌ام و امیدوارم طبق قول‌هایی که داده‌اند حمایت‌ها عملی شود.

✎ آیا خارج از تهران هم آن را اجرا می‌کنید؟

از سنجند زنگ زده‌اند که آنجا هم اجرا بگذاریم. از سلیمانیه هم اظهار علاقه کرده‌اند. ما یک‌گروه ۹۰نفره هستیم و امیدوارم بشود که از سرمنذگی این جمع دربیاییم و بتوانم حق و حقوقشان را ادا کنم.

✎ آیا داعش تهدیدی برای کارتان بوده است؟

داعش غلط می‌کند که بخواهد ما را تهدید کند. زمانی‌که دختران کرد رودرو با داعش می‌جنگند و پیروزند چگونه است که در تهران بخواهیم از این تهدیدها بهرایسیم.

تماشاخانه

تئاتر برای همه، یک ضرورت

رضا کیانی - عضو کانون ملی منتقدان تئاتر ایران

● آیا می‌توان جشنواره‌ها را دربرگیرنده کل بضاعت تئاتر ایران دانست؟ این پرسشی است که در ابتدای آسیب‌شناسی جشنواره‌های بزرگ تئاتر و در اس همه آنها، جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر مطرح می‌شود. تجربه سالیان اخیر نشان می‌دهد که برگزاری جشنواره‌ها، به‌عنوان بستری برای تبادل داشته‌ها و تیلور خلاقیت‌ها برای اعتلای تئاتر ایران شرط لازم به حساب می‌آید اما شرط کافی نیست. در کام نخست می‌بایست به‌سمتی حرکت کرد تا ذهنیت‌ها نسبت به تئاتر عملا اصلاح شود، تا جایی که تئاتر به‌عنوان یک ضرورت فرهنگی در نظر گرفته شود و نه یک هنر میهمانخانه‌ای و آن‌هم به شکل تزینی و فرمایشی! اگر اغراق نباشد تئاتر یکی از ابزارهای ارزشمند هنری جهت شناخت فرهنگ و تمدن یک کشور است و به هویت هر سرزمینی عمق می‌بخشد. توقف در تفکر جشنواره‌ای به‌منزله تقویت افعال و موسمی‌بودن تئاتر است. در شرایط کنونی به‌موازات برگزاری جشنواره‌ها ما به جریان پویا و مستمر تئاتر نیاز داریم؛ حرکتی که بسامد تاثیر تئاتر بر مخاطبان را بیفزاید تا در عین حال ارزش‌های هنر نمایش متولیان آن پیش از پیش به دغدغه مسوولان و متولیان امر تبدیل شود. ۱۰سال اخیر همزمان با فرارسیدن جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر، شعار «تئاتر برای همه» نیز بر زبان‌ها و محافل مختلف فرهنگی و رسانه‌ای جاری می‌شود. شعار تئاتر برای همه، مهم، ارزشمند و صدا البته مسوولیت‌آفرین است و می‌توان از آن به‌عنوان یک استراتژی فرهنگی یاد کرد که دارای چشم‌انداز و هدفی با بازدهی بلندمدت است. با این حال این شعار تنها در جشنواره‌های بزرگی چون فجر، آن‌هم در اجرای خیابانی، شکل عینی می‌یابد؛ به این معنا که با اجرای نمایش‌های خیابانی، هنر نمایش در اختیار عموم مردم قرار می‌گیرد، در حالی‌که شایسته است، بستری لازم جهت استقبال آحاد مختلف جامعه از تئاتر صحنه‌ای و کارگاه‌های آموزشی نیز فراهم شود. اما وجود معضلاتی نظیر محدودیت‌های مکان، بلیت و تعداد محدود اجرا و تخصیص سهمیه ویژه برای خانواده تاتر عملا موانع اصلی در راه تحقق شعار تئاتر برای همه در همان جشنواره‌هایی است که این شعار را سرلوحه خویش قرار داده‌اند. عملیاتی‌کردن شعار «تئاتر برای همه» انجام مهندسی مجدد فرهنگی و تجدیدنظر در کارگاه‌ها و برنامه‌ریزی‌های گذشته و ترمیم زیرساخت‌های فرهنگی را می‌طلبد. یکی از نکات بسیار کلیدی در این وادی، توجه به «توازن و تناسب» است. از یک‌سو تناسب بین کمیت و کیفیت آثار تولیدی و از دگرسو تناسب بین جمعیت تاتر و امکانات درنظرگرفته‌شده برای آن است. قطعا این پرسش به اذهان برنامه‌ریزان تئاتر خنور می‌کند؛ آیا به‌راستی امکانات و خدمات سخت‌افزاری موجود پاسخگوی فعالیت فعالان عرصه هنرهای نمایشی است؟! «تئاتر برای همه» را باید یک شعار فراگیر دانست و بدون‌شک برای تحقق آن می‌بایست نگاه‌ها فراتر از تهران و حتی به محروم‌ترین نقطه ایران معطوف شود! متأسفانه هرگاه سخن از تاتر و مقتضیات آن به میان آید، شاکله تئاتر مرکز و مشخصا مجموعه تئاتر شهر در اذهان زنده می‌شود! در صورتی که در شهرستان‌ها داستان به‌بارنشتن درخت تاتر به‌گونه‌هایی کاملا متفاوت‌تر از تهران روایت می‌شود، از این‌رو توسعه و تقویت این مقوله ارزشمند فرهنگی نیز تنها در صورت اتخاذ مکانیسمی خاص بنا برمقتضیات بومی و واقعیت‌های اجتماعی هر منطقه نظیر: ترکیب جمعیت، کیفیت اماکن فرهنگی، بسترسازی، تدبیر و پیگیری مدیران، بافت و پیشینه فرهنگی، جغرافیای منطقه و... شدنی است. نباید دور از نظر داشت که جای‌جای این سرزمین تنوع و تکثر اقلیم، فرهنگ و قومیت‌ها فرصت مناسبی برای باروری هنر نمایش به دست مسوولان، هنرمندان و رسانه‌ها می‌دهد. آنچنان که گفته شد، توسعه تئاتر در قالب شعار تاتر برای همه در بلندمدت نتایجی دربر خواهد داشت و نمی‌توان انتظار بروز دستاوردها را در اندک زمان داشت، اما شایسته است که هرروز نسبت به دیروز گامی روبه‌جلو در این مسیر برداشته شود تا آنجاکه جشنواره‌ها در خدمت تئاتر باشند، نه تئاتر در خدمت جشنواره‌ها.

رویداد

نشست نقدوبرسی دفتر شعر «مدارک جعلی»

● جلسه نقدوبرسی مجموعه شعر «مدارک جعلی»، اثر سعدی گل‌بیانی با سخنرانی حافظ موسوی و علی ثباتی برگزار می‌شود. این جلسه، عصر پنجشنبه سی‌ام بهمن‌ماه، ساعت‌پنج عصر، در موسسه فرهنگی - هنری کارنامه، واقع در خیابان ولیعصر، میدان تجریش، روبه‌روی پمپ بنزین باغ فردوس، کوچه افراز، کوچه انوش، پلاک پنج، برگزار می‌شود. «مدارک جعلی» سومین مجموعه شعر سعدی گل‌بیانی است که اخیرا در نشر چشمه منتشر شده. پیش از این دفتر شعر «نِز، نِز، جذامی و باد» در نشر آهنگ دیگر و «برگ‌های بی‌عشوه ختمی» در نشر چشمه از این شاعر منتشر شده بود.